



Explaining the factors affecting the strategic partnership between Iran and Russia with an emphasis on the defense and security sphere

Seyed Asghar Jafari ^{1*} | Javad Monzavi Bozorgi ² | Hossein Keshavarziyan ³

1. Corresponding author: Associate professor, International Relations and Law Department, Faculty of Industrial Engineering and Management, Malek Ashtar University of Technology, Tehran, Iran. Email: jafari1647@yahoo.com

2. Assistant Professor, International Relations and Law Department, Faculty of Industrial Engineering and Management, Malek Ashtar University of Technology, Tehran, Iran.

3. Master of Science in International Relations, Faculty of Industrial Engineering and Management, Malek Ashtar University of Technology, Tehran, Iran.

Abstract

One way to establish and sustain cooperation is to create coalitions and alliances among countries. Countries follow different models in this regard. One of these models is to adopt a strategic partnership approach. The Islamic Republic of Iran and Russia used such a model to enhance the level of their cooperation. The aim of the present study is to identify and explain the factors affecting the strategic partnership between the Islamic Republic of Iran and Russia in the security defense sphere. The main question is what factors are effective in creating a strategic partnership between the Islamic Republic of Iran and Russia in the security defense sphere. This study is applied in terms of its purpose and is explorative in terms of its qualitative nature and information collection method. The explorative content of this study was provided to eight experts using the snowball method and theoretical sufficiency of data, and after reviews, it was finally approved by the experts. The results of this research showed that defense and security cooperation, confronting the unilateralism of the United States and the West, the ideological and geopolitical situation, cooperation in the fight against terrorism, economic cooperation, and convergence in the Ukrainian crisis are among the effective factors in creating strategic partnerships in the security defense sphere.

Keywords: Strategic partnership, Iran, Russia, defense and security cooperation, peace.

Volume info

Vol. 34
Series: 133
Autumn 2026
P.P: 125-149

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
2025-06-03
Revised:
2025-09-16
Accepted:
2025-09-21
Published:
2026-02-20

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2008-6121
E-ISSN: 2645-5218



Cite this Article: Jafari, S.A., Monzavi Bozorgi, J., & Keshavarziyan, H. (2026). Explaining the factors affecting the strategic partnership between Iran and Russia with an emphasis on the defense and security sphere. *Scientific Journal of Defense Policy*, 34(133), 125-149.

doi : 10.47176/dpj.2026.1832



OPEN ACCESS

© Author(s) retain the copyright and full publishing rights

Publisher: Imam Hossein University.

تبیین عوامل موثر بر مشارکت راهبردی جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه با تاکید بر حوزه دفاعی امنیتی

سیداصغر جعفری^{۱*} | جواد منزوی بزرگی^۲ | حسین کشاورزبان^۳

۱. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه حقوق و روابط بین الملل، دانشکده مدیریت و مهندسی صنایع، دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران، ایران.

Email: jafari1647@yahoo.com

۲. استادیار گروه حقوق و روابط بین الملل، دانشکده مدیریت و مهندسی صنایع، دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران، ایران.

۳. کارشناس ارشد روابط بین الملل، دانشکده مدیریت و مهندسی صنایع، دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران، ایران.

چکیده

یکی از راه‌های برقراری و تداوم همکاری، ایجاد ائتلاف و اتحاد در بین کشورها است و در این خصوص کشورها از الگوهای مختلفی پیروی می‌کنند؛ یکی از این الگوها، اتخاذ روش مشارکت راهبردی است. جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه ارتقای سطح همکاری‌های خود را در چارچوب چنین الگویی تعریف نمودند. پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تبیین عوامل موثر بر مشارکت راهبردی جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه در حوزه دفاعی امنیتی، به این پرسش اصلی پاسخ داده است که در بعد دفاعی امنیتی چه عواملی در ایجاد مشارکت راهبردی جمهوری اسلامی ایران و روسیه موثر است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی است و به لحاظ ماهیت کیفی و به لحاظ روش گردآوری اطلاعات، اکتشافی-تبیینی است. محتوای اکتشافی این پژوهش در اختیار تعداد هشت نفر از خبرگان به روش گلوله برفی و کفایت نظری داده‌ها قرار گرفت و پس از بررسی‌ها به تایید نهایی خبرگان رسید. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که همکاری‌های دفاعی امنیتی، مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و غرب، وضعیت ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی، همکاری در مبارزه با تروریسم، همکاری‌های اقتصادی و همگرا شدن در بحران اوکراین از عوامل موثر در ایجاد مشارکت راهبردی در تمامی زمینه‌ها به ویژه در حوزه دفاعی امنیتی است.

کلیدواژه‌ها: مشارکت راهبردی، جمهوری اسلامی ایران، فدراسیون روسیه، همکاری دفاعی امنیتی، صلح.

استناد: جعفری، سیداصغر، منزوی بزرگی، جواد، و کشاورزبان، حسین. (۱۴۰۴). تبیین عوامل موثر بر مشارکت

راهبردی جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه با تاکید بر حوزه دفاعی امنیتی. فصلنامه سیاست دفاعی،

doi : 10.47176/dpj.2026.1832

۳۴ (۱۳۳)، ۱۲۵-۱۴۹.

© نویسنده(گان) حق نشر و حقوق کامل انتشار را برای خود محفوظ می‌دارند.



ناشر: دانشگاه جام امام حسین(ع).

OPEN ACCESS

مقدمه

در نظام بین‌الملل کنونی، کشورها برای تأمین امنیت ملی و ارتقای منافع راهبردی خود، ناگزیر به ایجاد همکاری‌های دوجانبه یا چندجانبه هستند. یکی از شیوه‌های تحقق این همکاری‌ها، ائتلاف و اتحاد میان کشورهاست. با این حال، همه ائتلاف‌ها الزاماً در چارچوب اتحاد رسمی و سنتی شکل نمی‌گیرند، بلکه برخی کشورها با توجه به شرایط محیطی و محدودیت‌های خاص، به جای ایجاد اتحادهای رسمی به سمت مشارکت راهبردی حرکت می‌کنند. مشارکت راهبردی نوعی همکاری بلندمدت و هدفمند است که بر پایه همگرایی منافع، در حوزه‌های مختلف از جمله دفاعی و امنیتی، پیگیری می‌شود.

روابط ایران و روسیه در طول تاریخ، همواره شاهد فراز و نشیب‌های بسیاری بوده است. از رقابت‌های دوران قاجار تا همکاری‌های دوران شوروی سابق و پس از آن، این روابط همواره تحت تأثیر معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی قرار داشته است. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، و ظهور ایالات متحده آمریکا به عنوان تنها ابرقدرت جهانی، روسیه در پی بازتعریف جایگاه بین‌المللی خود برآمد و ایران نیز در شرایطی قرار گرفت که فشارهای سیاسی، امنیتی و اقتصادی غرب به ویژه ایالات متحده، افزایش یافت. در این بستر، اشتراکات دو کشور در مواجهه با یکجانبه‌گرایی غرب، تهدیدات امنیتی در پیرامون مرزها، و ضرورت مقابله با افراط‌گرایی و تروریسم منطقه‌ای، بستری برای نزدیک‌تر شدن مواضع دو طرف فراهم آورد. به موازات این روند، تحولات خاورمیانه به ویژه جنگ سوریه، فرصتی برای عملیاتی شدن این همکاری‌ها ایجاد کرد و دو کشور در میدان عمل توانستند سطحی بی‌سابقه از هماهنگی‌های امنیتی و دفاعی را تجربه کنند. با وجود این، روابط ایران و روسیه هیچ‌گاه خالی از پیچیدگی نبوده است. سابقه تاریخی روابط، نگاه محتاطانه نخبگان سیاسی، و رقابت‌های منطقه‌ای موجب شده است که برخی محافل سیاسی در ایران و روسیه نسبت به «راهبردی بودن» این روابط تردید داشته باشند. از سوی دیگر، همگرایی دو کشور اغلب به صورت مقطعی و تحت تأثیر بحران‌های بین‌المللی و فشارهای غرب تشدید شده و کمتر شاهد یک چارچوب نهادی پایدار بوده‌ایم. از آنجایی که در دنیای کنونی، همکاری‌های بین‌المللی و مشارکت راهبردی میان کشورها یکی از مهم‌ترین ابزارهای تأمین امنیت ملی و ارتقای نفوذ سیاسی در عرصه جهانی محسوب می‌شود؛ از این رو، جمهوری اسلامی ایران و

فدراسیون روسیه از جمله کشورهایی هستند که سطح روابط خود را به سمت مشارکت راهبردی ارتقا داده‌اند. مشارکت راهبردی به معنای ایجاد یک چارچوب همکاری بلندمدت است که فراتر از روابط معمول دیپلماتیک عمل می‌کند و بر همکاری نظامی، امنیتی، سیاسی و اقتصادی تمرکز دارد و ریشه در منافع متقابل، تهدیدات مشترک و فرصت‌های نوظهور دارد. شناخت عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تقویت چنین مشارکتی، می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های راهبردی و سیاست‌گذاری‌های کلان در هر دو کشور کمک کند. بنابراین، مسأله اصلی این پژوهش چنین صورت‌بندی می‌شود که چه عواملی موجب شده تا جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه به سوی مشارکت راهبردی به ویژه در حوزه دفاعی - امنیتی حرکت کنند؟ بنابراین، هدف پژوهش بر محور شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تقویت مشارکت راهبردی جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه در حوزه دفاعی - امنیتی شکل گرفت.

مبانی نظری

مفهوم شناسی

مشارکت

معمولاً از واژه مشارکت^۱ «کارکردن با یکدیگر برای حل و ایجاد چیزی جدید با داشتن یک دیدگاه و هدف مشترک به صورت غیرفردی» برای توصیف کار گروهی استفاده می‌شود. «همکاری بین‌المللی، با روابط بین‌المللی دوجانبه یا چندجانبه با یکدیگر شکل می‌گیرد و ضرورت دارد که عوامل متعددی مورد توجه قرار گیرند تا با مشارکت مؤثر طرفین، یک همکاری اثربخش شکل گرفته و منافع ذینفعان تأمین شود. دولت‌ها، سازمان‌ها و نهادهایی که جامعه بین‌الملل را تشکیل می‌دهند، دارای روابط و مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی هستند که بیانگر روابط متقابل آنها است و می‌تواند به صورت روابط دوستانه (مشارکت)، رقابتی و تعارض‌آمیز (ستیز یا مناقشه) باشد. با توجه به موارد فوق، همکاری بین‌المللی را می‌توان، مشارکت بین‌المللی مؤثر و روابط بین‌المللی دوستانه (مشارکت) دانست و مفهوم آن را در دیدگاه‌های مختلف روابط بین‌الملل و نظریه‌های بین‌المللی جستجو نمود» (رامک و محمدی، ۱۳۹۹).

1 Partnership

راهبرد

«راهبرد ۱ واژه‌ای است که نخست در عرصه نظامی به کار رفته و با واژه استراتژی هم معنا است. این مفهوم بعدها در عرصه‌های دیگری همچون اقتصاد، سیاست و حکمرانی هم کاربردهای زیادی یافته است. غرض از این مفهوم پرداختن به کارهایی است که برای دستیابی به اهداف مشخص و بلندمدت برایش سازمان‌دهی صورت می‌گیرد. برای راهبرد دسته‌بندی‌های مختلفی می‌توان داشت مانند برنامه، الگو، نگرش و ... با وجود راهبرد است که برنامه‌ای مدون و فعالیت آگاهانه‌ای ترسیم می‌شود. می‌توان برای دستیابی به اهداف مشخص و بلندمدت، سازمان‌دهی و برنامه‌ریزی کرد و حتی طرح‌هایی را برای آینده ترسیم کرد» (ملکی راد، ۱۴۰۰).

مشارکت راهبردی

ویلکینز، نادکارنی و هولساگ به عنوان مهم‌ترین نظریه پردازان در توسعه چارچوب‌های مفهومی یا مدل‌های مشارکت راهبردی^۲ هستند. ویلکینز یکی از اولین اندیشمندان علوم سیاسی است که مفهوم مشارکت راهبردی را مطالعه و مدلی برای کاربرد آن ایجاد کرد. او مشارکت راهبردی را اینگونه تعریف کرد: «همکاری ساختاریافته بین دولت‌ها یا سایر بازیگران برای استفاده مشترک از فرصت‌های اقتصادی یا پاسخگویی مؤثرتر به چالش‌های امنیتی نسبت به آنچه می‌توان به تنهایی به دست آورد» (Wilkins, 2008: 363).

نادکارنی مشارکت راهبردی را چارچوبی ساختاریافته برای همکاری بین دو یا چند طرف بیان می‌کند که به شیوه‌ای آزاد و غیرالزام‌آور سازماندهی شده است. از نظر نادکارنی هدف مشارکت راهبردی امکان پیگیری منافع مشترک و رسیدگی به چالش‌های مشترک در زمینه‌های مختلف موضوعی و تسهیل همکاری در آینده است (Nadkarni, 2010).

زمینه‌های شکل‌گیری مشارکت راهبردی

روابط بین کشورها در چارچوب نظریه‌های روابط بین‌الملل تحلیل‌پذیر است، که در آن ارتباطات به عنوان پیش‌شرط ضروری برای همکاری عمل می‌کند. این فرآیند با تعاملات

1 Strategy

2 Strategic Partnership

دیپلماتیک (مذاکره) آغاز شده و به تدریج به همکاری و سپس همگرایی بین‌المللی منجر می‌شود. بر این مبنا، کشورها با هدف کسب منافع ملی و تأمین صلح و امنیت، با کشورهای همسوار تباط برقرار می‌کنند و در این خصوص از الگوهای گوناگونی (مانند ایجاد ائتلاف و اتحاد و...) پیروی می‌کنند. در این میان، مشارکت راهبردی به عنوان الگویی مؤثر برای همکاری مبتنی بر منافع مشترک ظهور کرده است. در مشارکت راهبردی کشورها براساس منافع مشترک خود و نیازمندی‌های متقابل وارد اتحاد می‌شوند و طرفین، مناسبات عمیق و انکارناپذیر دارند و نمی‌توانند بدون طرف دیگر در جهت پیشبرد اهداف مشترک خود گام بردارند. این مفهوم که ریشه در حوزه تجارت دارد، به‌عنوان یک اصطلاح کلیدی در ادبیات سیاست بین‌الملل از دهه ۱۹۹۰ و پس از جنگ سرد رواج یافت. سین‌کای^۱ استفاده اولیه از این اصطلاح توسط آمریکا را در سال ۱۹۹۰ برای نشان دادن رابطه خود با اتحاد شوروی در جریان مذاکره آنها در مورد ترتیبات امنیتی اروپای پس از جنگ سرد به کار برده است. در شرایطی که جهان تحت تأثیر فرآیند جهانی شدن، هرچه بیشتر به هم پیوسته می‌شد، مقابله با چالش‌های جهانی مستلزم همکاری بین‌المللی در سطحی بالاتر بود. همین نیاز بود که دولت‌ها را بر آن داشت تا از الگوی مشارکت راهبردی برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی خود استفاده کنند (غفارزاده و همکاران، ۱۴۰۱).

نظم جهانی پس از جنگ سرد با ویژگی‌های جدیدی شکل گرفت که تفاوت اساسی با دوره جهان دوقطبی داشت. پس از فروپاشی شوروی، آمریکا نه تنها از عرصه جهانی عقب‌نشینی نکرد، بلکه تلاش‌های مضاعفی برای تحقق گلوبالیسم مطلوب خود، دقیقاً به همان میزانی که در دوره جهان دوقطبی جاه‌طلبی آن را داشت، انجام داد. این رویکرد نقطه عطفی در نظم بین‌المللی ایجاد کرد که از طریق تعریف گزاره‌های اجتماعی جدید در روابط بین دولت‌ها، ایجاد پیچیدگی‌های مضاعف در تعاملات و شکل‌دهی به وابستگی متقابل جهانی، بر الگوهای تعامل میان کشورها تأثیر گذاشت. در این چارچوب جدید، اتحادهای استراتژیک و بلوک‌بندی‌های اقماری دوره جنگ سرد جای خود را به روابطی دادند که بر کاهش هزینه‌های تعهد و بیشینه‌سازی منافع متقابل مشترک متمرکز بودند. این تحول منجر به ظهور الگوهای جدیدی از اتحادها و ائتلاف‌ها شده و پویایی نوینی در روابط بین کشورها ایجاد کرد (میرفخرایی، ۱۴۰۱). مشارکت راهبردی یکی از

¹ Sean kay

این الگوها است. مفهوم مشارکت در روابط بین‌الملل تعریف مشخص و ثابتی ندارد و برداشت دولت‌ها از آن در شکل‌دهی به این مفهوم نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. این اصطلاح می‌تواند برای توصیف انواع مختلفی از روابط از جمله پیمان‌های امنیتی مانند ناتو، توافقنامه‌های همکاری اقتصادی یا حتی تعاملات بین رقبای کار رود (غفارزاده و همکاران، ۱۴۰۱). مشارکت راهبردی زمانی بین دو کشور شکل می‌گیرد که آنها با ارتقای تعاملات خود از سطح پایین به بالا، به دنبال حل مسائل مشترک در چارچوبی جامع‌نگرانه باشند. این همکاری مبتنی بر جستجوی صمیمانه برای همکاری و تفاهم متقابل، ایجاد تعهدات بلندمدت برای پیشبرد منافع مشترک و اهداف ملی است، بدون آنکه به تشکیل یک اتحاد رسمی منجر شود (میرفخرایی و همکاران، ۱۳۹۶).

روابط ایران و روسیه، فراتر از عوامل متداولی مانند همجواری، سوابق تاریخی و نیازهای اقتصادی، به دلیل نقش ویژه هر دو کشور در سیاست بین‌الملل و عواملی چون دارا بودن ذخایر عظیم انرژی، توانایی‌های نظامی، نفوذ منطقه‌ای و به‌ویژه عامل مشترک مقابله با آمریکا و غرب، همواره مورد توجه خاص محافل بین‌المللی بوده است. با تشدید تنش‌های مسکو با غرب پس از بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴، روسیه تلاش خود برای گسترش همکاری با ایران را افزایش داد و این روابط را به سطح راهبردی ارتقا داد (فولادی و همکاران، ۱۳۹۸). در این راستا، ولادیمیر پوتین نقش محوری در تعمیق روابط سیاسی و اقتصادی، به‌ویژه در حوزه‌های انرژی و همکاری‌های نظامی ایفا کرده است (کولایی و زنگنه، ۱۴۰۲). این همکاری که در پاسخ به تحولات پیچیده ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و بین‌المللی و تهدیدات مشترکی چون تروریسم و بی‌ثباتی منطقه‌ای شکل گرفته، برای ایران دسترسی به فناوری‌های دفاعی پیشرفته و حمایت سیاسی یک عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل، و برای روسیه ایجاد تعادل در برابر ناتو و بهره‌گیری از موقعیت راهبردی ایران را به ارمغان آورده است. این مشارکت در قالب تبادل اطلاعات، مبارزه با تروریسم، انتقال فناوری‌های نظامی، تمرینات مشترک نظامی و هماهنگی در پرونده‌های منطقه‌ای مانند سوریه متجلی شده است. نقطه اوج این روابط، امضای معاهده مشارکت جامع راهبردی در دی‌ماه ۱۴۰۳ بود که بر پایه دیدارهای سطح عالی و دیپلماسی فعال دو کشور به سرانجام رسید. این معاهده شامل یک مقدمه و ۴۷ ماده در همه حوزه‌های مناسبات دوجانبه است که مواد ۵، ۶ و ۷ آن مربوط به حوزه‌های دفاعی-امنیتی می‌باشد.

سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، در مقاله‌ای برای رسانه‌های روسی، معاهده مشارکت جامع راهبردی ایران و روسیه را گامی مهم در شکل‌دهی به نظم نوین جهانی توصیف کرد. عراقچی این همکاری را نه تنها یک تعامل دوجانبه، بلکه پیامی برای حامیان حاکمیت ملی، عدالت و چندجانبه‌گرایی خواند. وی تقویت همکاری‌های امنیتی و دفاعی را مبتنی بر تجارب ارزشمند دو کشور در مبارزه با تروریسم دانست که در راستای تقویت ثبات منطقه‌ای و جهانی و صلح پاینده است. به گفته وی، این معاهده فراتر از یک توافق‌نامه، گامی به سوی ایجاد جهانی عادلانه‌تر و متوازن‌تر است که در آن همکاری جایگزین سلطه‌طلبی و احترام جایگزین تحمیل اراده خواهد شد (عراقچی، ۱۴۰۳).

ویژگی‌های مشارکت راهبردی

از نظر ویلکینز، «مشارکت راهبردی دارای چهار ویژگی است:

نخست و مهم‌تر از همه، مشارکت راهبردی درباره یک هدف کلی سازماندهی شده است که توسط منافع مشترک هدایت می‌شود نه وظیفه‌ای ویژه؛ در واقع روابط مشارکتی مستلزم یک چارچوب ساختاری برای همکاری میان کشورهای است که فراتر از تعامل دیپلماتیک عادی است و مبادلات منظم بین بخش‌های مختلف دولتی را فراهم می‌کند. ساختار نهادی این پیوندها به صورت موردی متفاوت است و معمولاً بیانیه‌های مشترک گنجانده شده است که حوزه‌های همکاری و سازوکارهای ایجادشده برای پیشرفت همکاری را مشخص می‌کند (Wilkins, 2008: 360-365).

دوم، مشارکت راهبردی با سطوح بالای انعطاف‌پذیری و در عین حال محدود کردن تعهدات صریح مشخص می‌شود. آنها از تعهدات رسمی الزام‌آور در صف‌بندی‌های بین دولتی، مانند اتحادهای مبتنی بر پیمان یا ائتلاف دوری می‌کنند. جان سیورچیاری^۱ استدلال می‌کند که «در دنیای پس از جنگ سرد، بیشتر کشورهای در حال توسعه این نوع مشارکت‌ها را ترجیح می‌دهند، زیرا به آنها اجازه می‌دهد از مزایایی مانند کمک‌های اقتصادی یا امنیتی، بدون خطرات ناشی از دست دادن خودمختاری استفاده کنند» (Ciorciari, 2010: 7). به بیان دیگر، دولت‌ها به دنبال اجتناب از هزینه‌های مرتبط با اتحادهای بین دولتی هستند (غفارزاده و همکاران، ۱۴۰۱).

1 John Ciorciari

سوم، مفهوم مشارکت‌های راهبردی به جای اتحادهای تهدیدمحور، هدف محور هستند. دیپلماسی مشارکتی را می‌توان به عنوان مظهر تمایل بازیگران شرکت کننده برای دنبال کردن منافع مشترک و اهداف متقابل و کنار گذاشتن تضادهای بیشتر در نظر گرفت. در واقع مشارکت‌ها به عنوان تعهد به «نداشتن اختلافات در مورد سیاست داخلی به نفع همکاری با یکدیگر در مورد موضوعات مورد نگرانی مشترک در دیپلماسی بین‌المللی» در نظر گرفته می‌شود (Goldstein, 2005: 134). چهارم، برخلاف اتحادها، مشارکت‌ها تمایل رفتاری قوی‌تری دارند و نسبتاً فرایند محور هستند. آنها اغلب ابزاری برای همکاری بین دولتی هستند که به منظور همکاری شکل گرفته‌اند. یکی از جنبه‌های مهم در این زمینه، توانایی مشارکت‌ها برای کاهش ابهامات، نه تنها در برابر محیط بین‌المللی، بلکه در میان شرکا است» (Wilkins, 2008: 360-361).

پیشینه پژوهش

تاکنون در خصوص عوامل موثر بر مشارکت راهبردی ایران و روسیه با تأکید بر حوزه‌های دفاعی امنیتی، به‌طور جامع و مستقل کار تحقیقی صورت نگرفته است؛ اما پژوهش‌هایی در باره روابط ایران و روسیه انجام شده است که برخی از آنها بشرح زیر است. غیور و نطاق پور (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان عوامل منطقه‌ای مؤثر بر همگرایی ایران و روسیه و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، چهارده عامل مؤثر بر همگرایی بین ایران و روسیه در سطح منطقه‌ای مورد بررسی قرار داده‌اند. «نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در بین این عوامل به ترتیب سه عامل «مشارکت ایران و روسیه در مقابله با حضور و نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای و متحدان آنها در منطقه (از جمله آمریکا، ترکیه، رژیم صهیونیستی، عربستان و پاکستان)»، «همکاری ایران و روسیه برای حل و فصل بحران سوریه»، «مشارکت ایران و روسیه در استقرار و حفظ صلح و تحکیم ثبات و امنیت در منطقه» بیشترین تأثیر را بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارند».

بهمن (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان امکان و امتناع شکل‌گیری روابط راهبردی میان ایران و روسیه بیان کرده است روابط ایران و روسیه همواره تحت تأثیر نزدیکی‌های تاریخی و راهبردی و نیز تنش‌ها دچار فراز و نشیب بوده است. تحولات منطقه، به‌ویژه بحران سوریه، تهدیدها و منافع

مشترکی برای دو کشور ایجاد کرده و زمینه را برای تعمیق و حتی راهبردی شدن روابط تهران و مسکو فراهم ساخته است.

میرفخرائی و رحیمی (۱۳۹۶) در پژوهشی با موضوع مشارکت راهبردی، الگویی نوین برای روابط ایران-روسیه بیان کرده‌اند بحران سوریه نقطه عطفی در روابط ایران و روسیه بوده و همکاری آنها در این بحران از نظر سطح و عمق بی سابقه است. الگوی «مشارکت راهبردی» با سه معیار عدم قطعیت محیطی، انطباق راهبردی منابع و منافع، و مخالفت با نظم هژمونیک آمریکا بهترین چارچوب برای تبیین این روابط به شمار می‌رود.

توکلی و محموداوغلی (۱۴۰۲) در مقاله مولفه‌های تهدیدکننده همکاری استراتژیک ایران و روسیه بیان کرده‌اند از سال ۱۹۹۶ و با تقویت اوراسیاگرایان، روابط ایران و روسیه رو به نزدیکی گذاشت و بحران سوریه موجب گسترش همکاری‌های راهبردی شد. با این حال، عواملی مانند رژیم حقوقی دریای خزر، رقابت در بازار انرژی، روابط روسیه با آمریکا و رژیم صهیونیستی، تفاوت دیدگاه درباره بحران سوریه و منافع دوران پسابحران تهدیدی برای تداوم این همکاری محسوب می‌شوند.

نیکونهاد و همکاران (۱۴۰۳)، در مقاله پیامدهای همکاری دفاعی-امنیتی ایران و روسیه در بحران اوکراین (۲۰۲۲)، بیان کردند سیاست‌های غرب طی چهار دهه گذشته ایران را به سمت «شرق گرایی» و همکاری‌های دفاعی-امنیتی با روسیه سوق داده است. این همکاری‌ها هم پیامدهای مثبت مانند کاهش انزوای جهانی، تقویت قدرت بازدارندگی و ارتقای توان تسلیحاتی دارند و هم پیامدهای منفی همچون افزایش بدبینی داخلی نسبت به روسیه، تشدید تحریم‌ها و امنیتی‌سازی نقش ایران در عرصه بین‌المللی.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی است و می‌تواند در تصمیم‌گیری و سیاستگذاری مورد استفاده قرار گیرد. از نظر ماهیت کیفی و به لحاظ روش گردآوری اطلاعات، اکتشافی^۱ است. در روش کیفی-اکتشافی، پژوهشگر علاوه بر توصیف وضعیت و تدوین گزاره‌های تحقیق شامل

1 Explorative Research

اهداف و سوالات تحقیق، به تبیین چرایی و چگونگی مسئله می‌پردازد. در این پژوهش نیز ابتدا موضوع، اهداف و پرسش‌ها مشخص شد؛ سپس مفهوم و زمینه‌های مشارکت راهبردی و پیشینه بررسی گردید. در ادامه، عوامل مؤثر بر مشارکت راهبردی ایران و روسیه شناسایی و تبیین شد.

به منظور تعیین اعتبار^۱ عوامل شناسایی شده و آزمون فرضیه‌ها، این عوامل در اختیار ۸ نفر از خبرگان آشنا با موضوع تحقیق به روش گلوله برفی و کفایت نظری داده‌ها، قرار گرفت و پس از بررسی‌ها به تایید نهایی این خبرگان رسید. روش آزمون فرضیه‌ها بشرح زیر است:

۱. جمع‌آوری داده‌ها: داده‌ها از دو منبع اصلی گردآوری شده است: الف) منابع کتابخانه‌ای (کتاب، مقالات علمی، اسناد رسمی، گزارش‌های سیاستی)؛ ب) مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان حوزه روابط بین‌الملل، امنیت و دفاع که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی تا کفایت نظری داده‌ها انتخاب شده‌اند.

۲. کدگذاری داده‌ها: در مرحله نخست، داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها و متون گردآوری‌شده، در قالب کدهای اولیه دسته‌بندی شده‌اند. سپس، کدها در قالب مضامین محوری و مفهومی سازمان‌دهی شده و با متغیرهای موردنظر پژوهش (مانند مقابله با یک‌جانبه‌گرایی، همکاری در مبارزه با تروریسم، موقعیت ژئوپلیتیکی و بحران اوکراین) انطباق داده شده‌اند.

۳. تطبیق مضامین با فرضیه‌ها: مضامین استخراج‌شده از داده‌های کیفی بررسی شده تا مشخص شوند تا چه اندازه با فرضیه‌های مطرح‌شده سازگارند. به عنوان مثال از آنجایی که مضامین به‌دست‌آمده از گفته‌های خبرگان و متون علمی نشان داد که «مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا عامل مهم نزدیکی ایران و روسیه است»، فرضیه مربوطه تأیید شده است.

۴. اعتبارسنجی نتایج: نتایج به دست‌آمده از تحلیل مضمون، مجدداً در اختیار برخی از خبرگان (مصاحبه‌شوندگان منتخب) قرار گرفت تا از طریق بازبینی مشارکت کنندگان، میزان صحت و اعتبار آن‌ها سنجیده شود. همچنین، با مقایسه یافته‌ها با اسناد و منابع معتبر (روش مثلث‌سازی داده‌ها)، از اعتبار نهایی نتایج اطمینان حاصل گردید.

۵. ارائه نتیجه نهایی آزمون فرضیه‌ها: پس از طی مراحل فوق، فرضیه‌ها به صورت تأیید کامل، تأیید نسبی و رد مشخص شدند. این موضوع تصویری دقیق‌تر از عوامل مؤثر بر مشارکت راهبردی ایران و روسیه در حوزه دفاعی - امنیتی ارائه داده است.
- براساس تحلیل پاسخ‌های خبرگان، نتایج نشان می‌دهد که عوامل زیر بیشترین تأثیر را در ایجاد مشارکت راهبردی میان ایران و روسیه داشته‌اند:
۱. همکاری‌های دفاعی - امنیتی: تمام خبرگان بر اهمیت ارتقای همکاری‌های نظامی و امنیتی برای تثبیت مشارکت راهبردی تأکید کردند.
۲. مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکای غرب: اکثر خبرگان این عامل را از عوامل کلیدی و محرک تقویت اتحاد راهبردی دانستند.
۳. وضعیت ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی: همسویی ایدئولوژیک و شرایط جغرافیای سیاسی منطقه‌ای، به‌ویژه در زمینه امنیت منطقه‌ای، نقش مهمی در تقویت مشارکت دارد.
۴. همکاری در مبارزه با تروریسم: همه خبرگان معتقد بودند که همکاری ضدتروریستی یکی از شاخص‌های مهم اعتمادسازی و توسعه مشارکت راهبردی است.
۵. همکاری‌های اقتصادی: تأکید بر پروژه‌ها و توافقات اقتصادی به عنوان زیرساخت تقویت مشارکت در حوزه‌های دفاعی و امنیتی مطرح شد.
۶. همگرا شدن در بحران اوکراین: شرایط بحران اوکراین و تعامل مشترک در مدیریت بحران، از دیدگاه خبرگان، عاملی مؤثر در تثبیت همکاری راهبردی محسوب می‌شود.
- نتایج پرسشنامه حاکی از آن است که مشارکت راهبردی ایران و روسیه در حوزه دفاعی - امنیتی یک فرآیند چندعاملی بوده است که علاوه بر همکاری‌های نظامی، متأثر از تعاملات سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژیک و واکنش به بحران‌های منطقه‌ای می‌باشد. این عوامل می‌توانند به عنوان محورهای اصلی در تدوین سیاست‌ها و استراتژی‌های مشترک راهبردی مورد استفاده قرار گیرند.

سؤالات پژوهش

سوال اصلی

چه عواملی بر شکل‌گیری و تداوم مشارکت راهبردی جمهوری اسلامی ایران و فدراسيون روسيه به ویژه در حوزه دفاعی - امنیتی مؤثر بوده‌اند؟

سوال‌های فرعی

۱. همکاری‌های دفاعی - امنیتی چه نقشی در شکل‌گیری مشارکت راهبردی میان جمهوری اسلامی ایران و فدراسيون روسيه ایفا کرده است؟
۲. نقش مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکای غرب در همگرایی دفاعی - امنیتی ایران و روسيه چیست؟
۳. موقعیت‌های ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیک دو کشور چه تأثیری بر ارتقای سطح همکاری‌های دفاعی داشته است؟
۴. همکاری در مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی منطقه‌ای تا چه حد در تقویت مشارکت راهبردی مؤثر بوده است؟
۵. همکاری‌های اقتصادی چگونه می‌تواند به تحکیم روابط دفاعی - امنیتی ایران و روسيه کمک کند؟
۶. بحران اوکراین چه نقشی در نزدیکی مواضع و افزایش همکاری‌های راهبردی ایران و روسيه داشته است؟

فرضیه پژوهش

فرضیه اصلی

مشارکت راهبردی جمهوری اسلامی ایران و فدراسيون روسيه در حوزه دفاعی - امنیتی، تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل شامل مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکای غرب، موقعیت‌های ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیک، همکاری در مبارزه با تروریسم، پیوندهای اقتصادی و همگرایی در بحران اوکراین شکل گرفته است.

فرضیه‌های فرعی

۱. گسترش همکاری‌های دفاعی - امنیتی میان جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه نقش اساسی در شکل‌گیری و تقویت مشارکت راهبردی دو کشور داشته است.
۲. مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکای غرب، عامل اصلی همگرایی دفاعی - امنیتی ایران و روسیه است.
۳. موقعیت ژئوپلیتیکی و وضعیت ایدئولوژیک دو کشور، ظرفیت‌های مکملی برای شکل‌گیری مشارکت راهبردی در حوزه امنیتی ایجاد کرده است.
۴. همکاری در مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی منطقه‌ای، سطح همکاری‌های دفاعی ایران و روسیه را ارتقا داده است.
۵. پیوندهای اقتصادی میان دو کشور، به‌طور غیرمستقیم بر تقویت روابط دفاعی - امنیتی اثرگذار بوده است.
۶. همگرایی مواضع ایران و روسیه در بحران اوکراین، به نزدیکی بیشتر در حوزه دفاعی - امنیتی منجر شده است.

یافته‌های پژوهش

محركه‌های اثرگذار بر مشارکت راهبردی ایران و روسیه

مهم‌ترین عوامل موثر بر شکل‌گیری مشارکت راهبردی ایران و روسیه را می‌توان بشرح زیر نام برد:

۱. همکاری‌های دفاعی امنیتی

در نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد، جمهوری اسلامی ایران با هدف تأمین امنیت و مقابله با تهدیدات جدید به‌ویژه از سوی غرب و آمریکا، به سمت موازنه درونی و تقویت توانمندی‌های دفاعی حرکت کرد. در این راستا، همکاری با روسیه به‌عنوان گزینه‌ای راهبردی مورد توجه قرار گرفت (پاشایی و سرمدی، ۱۳۹۹)، زیرا تسلیحات روسیه توانایی رقابت با آمریکا را دارا بود. انتقال فناوری و تجهیزات دفاعی از جمله محورهای اصلی این همکاری دوجانبه محسوب می‌شود. تداوم این روابط متأثر از عواملی همچون تلاش ایران برای تنوع‌بخشی به منابع تأمین سلاح و ظهور

تهدیدهای جدید امنیتی بود (باقری دولت آبادی، ۱۳۹۳: ۴۰). تغییر دیگری که موجب همگرایی بیشتر روسیه و ایران شده است به مسئله سطح تحلیل باز می گردد. «اهمیت روسیه تاکنون برای ایران بیشتر در سطح نظام بین الملل و با هدف کاهش فشار آمریکا بوده است. در مقابل، اهمیت ایران در سطح منطقه ای برای روسیه و به ویژه در حوزه غرب آسیا و نیز آسیای مرکزی بوده است. اکنون به نظر می رسد که با همکاری دو کشور در سوریه، اهمیت روسیه برای ایران در سطح منطقه ای بیشتر شده است و با قدرت یافتن ایران و توانایی آن برای ایجاد بازدارندگی نظامی در برابر ایالات متحده، اهمیت ایران در سطح بین الملل نیز برای روسیه افزایش یافته است» (ولی زاده و صالحی، ۱۳۹۹). از سوی دیگر، همجواری جغرافیایی روسیه با غرب آسیا باعث شده امنیت این کشور به ثبات منطقه گره بخورد. بدین معنا که بروز هرگونه اختلال در صلح و ثبات منطقه ممکن است امنیت روسیه را به مخاطره انداخته و قطع نظر از منافع اقتصادی، این کشور را وارد منازعاتی ویرانگر و خطرناک می سازد. وجود بیش از بیست میلیون مسلمان در نوار جنوبی روسیه، به ویژه در قفقاز شمالی، و نگرانی از تأثیرپذیری گروه های افراطی داخلی از منابع رادیکال در غرب آسیا، دلیل اصلی این حساسیت امنیتی است. تجربه دو جنگ چین و تهدیدهای تروریستی ناشی از آن، به رهبران روسیه آموخته که تهدیدات امنیتی عمدتاً از جنوب نشأت می گیرد. همچنین، فعال سازی مجدد طالبان در افغانستان و احتمال بازتولید بی ثباتی منطقه ای، نگرانی مسکو را درباره تأثیر این وضعیت بر کشورهای تحت نفوذش در آسیای مرکزی افزایش داده است. این عوامل باعث شده روسیه برای بهبود تصویر بین المللی خود در میان جوامع اسلامی و تضمین امنیت جنوب خود، به دنبال تقویت روابط با کشورهایی مانند ایران باشد (پاشایی و سرمدی، ۱۳۹۹).

همکاری امنیتی روسیه و ایران در آسیای مرکزی ناشی از افزایش قدرت منطقه ای ایران و تمایل مسکو برای حفظ روابط استراتژیک با تهران است. روسیه دریافت که ایران به عنوان یک قدرت در حال ظهور نقش کلیدی در ثبات یا بی ثباتی آسیای مرکزی دارد، بنابراین همکاری با ایران را راهی برای حفظ نظم منطقه ای به نفع خود می داند. دو کشور در مقابله با تهدیدات غرب منافع مشترکی دارند، از جمله جلوگیری از دسترسی آمریکا به منابع انرژی خزر و مقابله با گسترش ناتو به شرق. در هر دو حوزه، غرب تلاش کرد تا کشورهای منطقه آسیای مرکزی را به بی اعتنائی نسبت به منافع روسیه و ایران ترغیب کند، اما بروز تحولات منطقه ای و پیامدهای آن، این تهدیدها

را نسبت به گذشته کمرنگ کرده است. از جمله آنکه روسیه با تصرف جزیره کریمه و پیامدهای آن در روابط با غرب، رویکرد شرق گرایی را به طور جدی تری در پیش گرفت و سیاست مقابله با نفوذ غرب در آسیای مرکزی را تقویت کرد. در مقابل، ایالات متحده با درک هزینه های سنگین حضور خود در غرب آسیا و تأثیر آن بر افول جایگاه جهانی خود، راهبرد کاهش حضور در منطقه را انتخاب کرد و توجه خود را به طور فزاینده ای به شرق معطوف نمود. بنابراین در مجموع مداخله غرب در منطقه آسیای مرکزی در نتیجه اقدام روسیه در تقویت تسلط خود، اقدام چین به ورود فعالانه به منطقه با ابتکار کمربند و راه و همراهی ایران با روسیه در آسیای مرکزی و به طور کل غرب آسیا، بر استقلال مجموعه امنیتی آسیای مرکزی افزود (ولی زاده و صالحی، ۱۳۹۹). مسئله دیگر حضور ناتو در خلیج فارس می تواند پیامدهای امنیتی قابل توجهی برای جمهوری اسلامی ایران به همراه داشته باشد و احتمالاً موجب تغییر در الگوی رفتاری این کشور در قبال تحولات منطقه ای خواهد شد. از سوی دیگر، روسیه نیز با توجه به تجربه انفعال نسبی خود در بحران لیبی (۲۰۱۱)، نگرانی های عمیق تری نسبت به توسعه نفوذ ناتو دارد. در صورت اجرای راهبرد «چرخش به شرق آسیا» توسط آمریکا، روسیه تلاش خواهد کرد حضور خود در منطقه را افزایش دهد. به طور کلی، توسعه نفوذ ناتو در خلیج فارس - صرف نظر از تحقق راهبرد چرخش به شرق آسیا - می تواند همگرایی بین ایران و روسیه را تقویت کند، چرا که هر دو بازیگر نگرانی های مشترکی درباره گسترش ناتو دارند و در صورت اجرای راهبرد مذکور آمریکا، این همگرایی جدی تر خواهد شد (پاشایی و سرمدی، ۱۳۹۹).

بنا به گفته ناخدا یکم خسروی مقدم وابسته نظامی ایران در روسیه، در حال حاضر همکاری های دفاعی-امنیتی ایران و روسیه در حوزه های متنوعی از جمله همکاری رزمی در زمینه مقابله با تروریسم، رزمایش های دریایی در دریای خزر و آب های شمال اقیانوس هند و دریای عمان، همکاری های آموزشی، شرکت در مسابقات و رویدادهای ورزشی-نظامی و شرکت فعال در نمایشگاه های دفاعی و نظامی به طور فزاینده ای در حال گسترش است و با تبادل مستمر هیأت های عالی رتبه نظامی بین دو کشور تداوم خواهد یافت (خبرگزاری ایرنا، ۳۰ فروردین ۱۴۰۳). همکاری های نزدیک دفاعی و نظامی راهکاری مؤثر برای تقویت همگرایی منطقه ای و تأمین امنیت منافع مشترک است که در قالب اتحادهای نظامی-امنیتی با کارکرد سیاسی شکل گرفته و

هدف اصلی آن ایجاد ثبات و امنیت در منطقه می‌باشد (عزتی و همکاران، ۱۳۹۹). نتیجه آنکه، همکاری دفاعی-امنیتی میان ایران و روسیه در پاسخ به فشارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی نظام بین‌الملل شکل گرفته و لذا برای حفظ بقا و مقابله با چالش‌های مشترک در برابر دولت‌های غربی این همکاری ضروری است (نیکونهاد و همکاران، ۱۴۰۳).

۲. مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و غرب

پس از فروپاشی شوروی و تشدید سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده، ایران و روسیه با اشتراک مخالفت در برابر این رویکرد، به سمت همگرایی حرکت کرده‌اند تا حدی که همکاری مشترک آنها در مقابل آمریکا به سطحی رسیده که از سوی محافل داخلی به ویژه در ایران، به عنوان "همکاری استراتژیک" تعبیر می‌شود (رستم‌اقایی و همکاران، ۱۴۰۰). روسیه به عنوان یکی از کلیدی‌ترین شرکای سیاست خارجی ایران، نقش تعیین‌کننده‌ای در عرصه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای ایفا می‌کند. با توجه به جهت‌گیری استقلال‌محور ایران و تقابل ماهوی با غرب به ویژه آمریکا، تهران، مسکو را به عنوان متحدی راهبردی در میان قدرت‌های جهانی حفظ کرده است. محرک اصلی این همگرایی، اشتراک منافع در مقابله با نفوذ آمریکا به ویژه در منطقه خزر و مخالفت مشترک با گسترش ناتو به شرق است. رهبران هر دو کشور غرب را عامل ناامنی دانسته و مواضع ضد غربی به ویژه ضد آمریکایی را دنبال می‌کنند. رویکرد اصلی سیاست خارجی روسیه، سیاسی-امنیتی و اصل مهم آن خودکفایی راهبردی برای گذار جهان از نظم یک‌جانبه‌گرایانه آمریکایی است (کولایی و زنگنه، ۱۴۰۲).

در واقع، سیاست خارجی روسیه نسبت به ایران تحت تأثیر روابطش با غرب به ویژه ایالات متحده شکل گرفته است. مسکو با هدف محدود کردن نفوذ واشنگتن و تقویت جایگاه خود در غرب آسیا، همکاری با تهران را دنبال کرده است. در دوران پوتین و به ویژه پس از بحران اوکراین، روسیه با هدف احیای قدرت جهانی، شرایط را برای نفوذ در غرب آسیا مناسب دید و به دلیل رقابت با آمریکا، منافع خود را در بسیاری از حوزه‌ها همسو با ایران به عنوان کشوری که هژمونی ایالات متحده را به چالش می‌کشد، یافت (غنی و عسگریان، ۱۴۰۰). تحریم‌های آمریکا و غرب علیه روسیه، مبارزه با تروریسم و مهم‌تر از همه دلخوش نبودن روس‌ها از عربستان سعودی که رقیب اصلی ایران در منطقه است، موضع ایران و روسیه را به شدت به هم نزدیک کرده است که

این پل ارتباطی بسیار موثری در گسترش روابط ایران و فدراسیون روسیه بشمار می‌رود (خادمی، ۱۴۰۱: ۷۱). در ارتباط با مسائل ژئوپلیتیک و حرکت نظام بین‌المللی به طرف جهان چندقطبی دو کشور ایران و روسیه نیز در این زمینه دیدگاه مشترکی دارند. هر دو کشور با جهان یک قطبی و ادعای آمریکا مبنی بر تنها ابرقدرت حاکم بر جهان و نظام ایجاد شده توسط آمریکا به شدت مخالف هستند. هر دو از گسترش پیشبرد نظام نظم نوین بین‌المللی تحت عنوان نظام چندقطبی حمایت می‌کنند (مسعودی لکی، ۱۳۹۹).

۳. وضعیت ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیک

روسیه در شرایط جدید بین‌المللی اتحادها و نهادهای جدیدی می‌جوید که منافع ژئوپلیتیک خود را حفظ کند. محورهای سیاست خارجی روسیه کنونی، دیدگاه امنیتی در مورد اقدام‌های یکجانبه آمریکا در جهان و نیز گسترش ناتو به شرق، گرایش به شرق و رقابت و تعامل راهبردی با چین و تسلط سیاسی-امنیتی-اقتصادی بر «خارج نزدیک» بوده است. در هر سه محور، مؤلفه‌های ژئوپلیتیک آشکار به چشم می‌خورد (کولایی و زنگنه، ۱۴۰۲). «وجود حوزه تمدنی ج.ا.ایران در آسیای مرکزی، قفقاز و روسیه و وجود اقوام ایرانی در داغستان و چین و همچنین برخورداری ج.ا.ایران از اسلام اعتدالی، منطقی و عقلانی از یک طرف و تهدیدهای فرهنگ غرب و خطر افراط‌گرایی اسلامی از طرف دیگر فرصت بزرگی است که توجه روس‌ها را بالاجبار به سمت ج.ا.ایران جلب می‌کند که نزدیک بودن مذهب ارتدکس به شیعه و وجود تصوف در منطقه قفقاز نیز به این نگاه کمک خواهد کرد» (خادمی، ۱۴۰۱: ۱۷۶).

اهمیت ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران به دلیل قرار داشتن در منطقه جنوب غربی آسیا و قرار داشتن در حاشیه همسایگی با منطقه آسیای جنوب شرقی و قفقاز و آسیای مرکزی، از طرف روس‌ها قابل اهمیت شناخته شده و همکاری‌های بسیار خوبی را برای ارتقاء سطح همکاری‌های ژئوپلیتیک بین دو کشور شروع کرده‌اند (مسعودی لکی، ۱۳۹۹).

بعد از پایان نظام دو قطبی و ایجاد جمهوری‌های نواستقلال، افزایش حضور و نفوذ ایالات متحده در منطقه سبب شده است مسکو و تهران برای تأمین امنیت خود در شرایط جدید با یکدیگر در عرصه منطقه‌ای همکاری کنند (غنی و عسگریان، ۱۴۰۰). هرچند که بعد از فروپاشی شوروی، مقامات مسکو نگران صدور انقلاب اسلامی ایران به آسیای مرکزی بودند، اما نه تنها شاهد

همکاری‌های ایران با روسیه در حل و فصل مسائل این منطقه بودند، بلکه ایران در سال ۲۰۰۵ نیز از پذیرش عضویت ناظر روسیه در سازمان کنفرانس اسلامی حمایت کرد. با توجه به راهبرد عملگرایی که جمهوری اسلامی ایران در برخورد با مسائل منطقه در پیش گرفته است، بنابراین زمینه برای همکاری راهبردی دو کشور در آسیای مرکزی به وجود آورده است. «یکی دیگر از حوزه‌هایی که این دو کشور با یکدیگر همکاری جدی نمودند، بحران در تاجیکستان بود. افغانستان را می‌توان حوزه‌ای دیگر برای آزمون روابط دو کشور دانست. چرا که قدرت‌یابی گروه افراط‌گرای طالبان در افغانستان که هم روسیه و هم ایران آن را تهدیدی جدی تلقی می‌نمایند، از عوامل مؤثر بر توسعه همکاری‌های دفاعی-راهبردی دو کشور است. خلیج فارس را می‌توان حوزه دیگر همکاری‌ها میان دو کشور دانست، چرا که در نظر زمامداران روسیه، یکی از راه‌های تبدیل شدن به قدرت جهانی و امکان مقابله با رقبای دیگر دست یافتن به آب‌های گرم خلیج فارس و دریای عمان می‌باشد. تلقی روسیه از خلیج فارس فراتر از انرژی و امنیت آن می‌باشد و مبانی ژئوپلیتیکی بیشتری دارد» (پاشایی و سرمدی، ۱۳۹۹).

۴. همکاری در مبارزه با تروریسم

«تروریسم یکی از معضلات بزرگ جهانی در عصر حاضر است که با ایجاد حالت رعب و وحشت امنیت هر جامعه را تهدید می‌کند و جان انسان‌ها را به مخاطره می‌افکند. از سوی دیگر، تروریسم صلح و امنیت بین‌المللی را در معرض خطر قرار می‌دهد. به همین دلیل، لزوم مقابله با آن به عنوان یک ضرورت انکارپذیر تلقی می‌شود» (جعفری، ۱۳۹۲: ۲۴۸).

یکی از حوزه‌هایی که منافع مشترک ایران و روسیه در منطقه غرب آسیا را شکل می‌دهد مبارزه با گروه‌های تروریستی، به‌ویژه داعش است که اساس مشارکت دو کشور در جنگ داخلی سوریه را رقم زد. «مسئله تروریسم ناشی از تندروی، موضوعی است که پیوند دهنده حوزه‌های منطقه‌ای پیرامون روسیه و ایران است. در واقع، روسیه می‌خواهد مشارکت با ایران برای در امان نگاه‌داشتن منطقه آسیای مرکزی از شر گروه‌های تروریستی و افراطی ادامه یابد و تقویت شود. بنابراین تروریسم و تندروی را می‌توان موضوعی دانست که موجب افزایش سطح همکاری ایران و روسیه شده است. اگر مهم‌ترین چالش‌های روسیه در آسیای مرکزی را تهدید ناشی از گروه‌های تروریستی و تندرو همچون داعش به علاوه تهدید ناشی از قاچاق مواد مخدر از افغانستان و در

کنار آن تهدیدی که در دوره پسا شوروی از سوی ناتو و آمریکا برای نفوذ در منطقه وجود داشته است بدانیم، باید به همسویی ایران با همه این موارد و اهمیت همکاری ایران در دفع این تهدیدها اشاره کنیم» (ولی زاده و صالحی، ۱۳۹۹).

در زمینه مخالفت و مبارزه با تروریسم و افراطی‌گری دو کشور دیدگاه‌های کاملاً مشترکی دارند و همکاری‌هایی را در این زمینه آغاز کردند. «نقش بحران سوریه در روابط بین جمهوری اسلامی ایران و روسیه را می‌توان از جمله نقطه عطف تاریخی، ژئوپلیتیکی، حفظ منافع و امنیت ملی دو کشور دانست که موجب شده نقاط اشتراک قابل توجهی در حوزه‌های مختلف به خصوص در حوزه قابلیت‌های نظامی دو کشور جمهوری اسلامی ایران و روسیه شکل بگیرد» (مسعودی لکی، ۱۳۹۹).

۵. همکاری‌های اقتصادی

دو کشور جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه تصمیمات بسیار خوب و جدی‌ای را در گسترش روابط اقتصادی به‌ویژه در زمینه پولی و بانکی اتخاذ کردند و با توافق نهایی به عمل آمده بین مقامات اقتصادی دو کشور (مبنی بر حذف دلار از روابط اقتصادی و مبادلات تجاری و تشکیل بانک مشترک جمهوری اسلامی ایران و روسیه با ارزهای ملی دو کشور) قدم‌ها و گام‌های مهمی در زمینه توسعه روابط و ایجاد بستر مناسب برای افزایش حجم روابط تجاری برداشته‌اند (مسعودی لکی، ۱۳۹۹). تحریم‌های غرب علیه ایران و روسیه، همکاری اقتصادی دو کشور را به ضرورتی راهبردی تبدیل کرده است. ایران با جمعیت قابل توجه خود، بازاری مناسب برای کالاها و خدمات روسی فراهم می‌کند، در حالی که روسیه پیوند ایران با کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا را تشویق می‌کند. ایران این اتحادیه را فرصتی برای تبدیل شدن به کریدور تجاری بین اوراسیا و جنوب آسیا، به ویژه هند، می‌داند. راهگذر شمال-جنوب با مشارکت ایران، روسیه و جمهوری آذربایجان، نه تنها تجارت منطقه‌ای را تسهیل می‌کند، بلکه از طریق تقویت همکاری‌های سیاسی و امنیتی، به مقابله با تهدیدات مشترکی مانند تروریسم کمک کرده و امنیت ملی ایران را ارتقا می‌دهد (کولایی و زنگنه، ۱۴۰۲).

در پی حمله به اوکراین، روسیه با تحریم‌ها و محدودیت‌های شدید غرب مواجه شده و ناچار است به بازبینی اولویت‌بندی‌های سیاست خارجی و اهداف و منافع ملی خویش بپردازد. به نظر

می‌رسد بعد از مسئله جنگ، اولویت اصلی روسیه در حال حاضر جبران مشکلات ناشی از فشارهای غرب با تمرکز بر تجارت با مناطق دیگر است. شرق آسیا، آسیای جنوبی و آسیای غربی در این مورد برای روسیه اهمیت بیشتری پیدا کرده‌اند. چین، هند و ایران از جمله کشورهایی هستند که در سیاست خارجی روسیه به موقعیت و جایگاه بالاتری ارتقا پیدا کرده‌اند. اهمیت ایران برای روسیه هم در بحث ترانزیت است و هم اینکه ایران به طور غیرمستقیم می‌تواند بر فشارها علیه روسیه تأثیرگذار باشد. این تأثیرگذاری در بحث انرژی است. ایران دارای ذخایر نفتی و گازی فراوانی است و می‌تواند اهرم انرژی روسیه که در معادلات ژئوپلیتیکی این کشور و دشمنانش بسیار تأثیرگذار است را تحت تأثیر قرار دهد (شاپوری، ۱۴۰۱). تحریم‌ها به ابزار کلیدی سیاست خارجی آمریکا و اروپا تبدیل شده است. در این زمینه، تحریم‌های آمریکا علیه ایران و سپس روسیه بر روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی دو کشور تأثیرگذار بوده است. اولویت‌های اصلی در مقابله با تحریم‌ها، تنوع بخشیدن به روابط تجاری، سیاسی و نظامی در عرصه بین‌المللی است. در وضعیتی که روسیه درگیر جنگ با اوکراین شده و غرب به وسیله تحریم در پی اعمال حداکثری فشار بر ایران و روسیه است، راهبرد روسیه برای مقابله با تحریم‌ها باید بر اساس افزایش همکاری در عرصه بین‌المللی باشد (شکوهی و قاسمی، ۱۴۰۳). از سوی دیگر، «تجارت با روسیه به یکی از مؤثرترین ابزارهای ایران برای کمک به کاهش تأثیر تحریم‌ها تبدیل شده است. در جریان سفر پوتین به تهران در نوامبر ۲۰۱۷، دو کشور برای بستن قراردادهای راهبردی انرژی و همچنین همکاری‌های پژوهشی توافق کردند. توسعه میادین گازی کیش و مناطق شمالی کشور، افزایش فشار میادین گازی جنوب، توسعه ۶ میدان نفتی، مبادله گاز و فرآورده‌های نفتی، تکمیل طرح‌های الان‌جی، ساختن میدان گازی پارس جنوبی و علمی و فناوری همکاری از مهمترین بندهای تفاهم‌نامه دو کشور بود. روابط ایران و روسیه مسیر جدیدی را در پیش گرفته است. اینک قراردادهایی به ارزش ۴ میلیارد دلار با شرکت‌های مختلف روسی بسته شده است. این قراردادها با هدف ایجاد سرمایه‌گذاری بسته شده و این روند در دولت سیزدهم جهش چشمگیری داشته است. مقام‌های ایرانی معتقدند که شرکت‌های انرژی روسیه همراه با شریکان چینی خود در موقعیت بهتری برای مدیریت این حوزه خواهند بود» (کولایی و زنگنه، ۱۴۰۲).

۶. همگرا شدن در بحران اوکراین

«حمله نظامی روسیه به اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲، روسیه را در وضعیت پیچیده‌ای قرار داد، به طوری که سیاست شرق گرایی جدی تری را در قبال ایران در پیش گرفته است. بر این اساس، روسیه تلاش دارد با گسترش روابط خود با ایران، از این فرصت برای کاهش تهدیدهای غرب بهره گیرد. روسیه، به دلیل رقابت زیست راهبردی با غرب و مشکلات ناشی از بحران اوکراین، سپرموشکی و گسترش ناتو در محیط منطقه‌ای به ویژه مسئله اوکراین، ناگزیر شد سیاست خارجی موازنه جویانه و چندسویه با دیگر بازیگران در نظام بین المللی چندقطبی اتخاذ کند. از این رو، مسکو سیاست چندگانه‌ای را در قبال امکان جابجایی قدرت در نظام بین الملل در پیش گرفته و برای توازن بخشی به تهدیدهای ناشی از بحران اوکراین، به گسترش روابط با ایران روی آورده است» (شکوهی و قاسمی، ۱۴۰۳). «واکنش رسمی ایران به تهاجم روسیه چه از سوی رسانه‌های دولتی و چه از سوی مقام‌های رسمی بیان کننده موضع محتاطانه آنها در برابر مسکو بوده است. رئیس جمهور ایران در این زمینه «حفظ یکپارچگی سرزمینی و حاکمیت ملی همه کشورها» را مهم ترین اصل دانست. تهاجم روسیه به عنوان «عملیات نظامی ویژه» نامیده شد که به دلیل گسترش ناتو به سوی شرق با رهبری ایالات متحده انجام شد. از این دیدگاه، روسیه از امنیت خود در برابر توسعه طلبی غربی محافظت می کند. این روایت را رسانه‌های اصلی ایران (وابسته به دولت) و مقام‌های دولتی (از جمله رهبری معظم، رئیس جمهور و وزیر امور خارجه) نقل کرده اند.^۱ آنها استدلال می کنند که حمله روسیه به اوکراین اقدامی ضروری برای مقاومت در برابر تهاجم غرب است، بنابراین غرب مقصر تشدید تنش فعلی است» (کولایی و زنگنه، ۱۴۰۲).

«جنگ اوکراین موجب شده است که دولت روسیه ناگزیر شود روابط خود را با کشورهای غیرغربی از جمله جمهوری اسلامی ایران گسترش دهد. در این رابطه به عملیاتی سازی گذرگاه شمالی جنوبی پس از بیست و دو سال پرداخت. حجم روابط تجاری ایران و روسیه و ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیایی افزایش یافته است و در سال‌های آینده نیز روند صعودی خواهد داشت. به هر میزانی که از روابط اقتصادی روسیه و کشورهای غربی کاسته شود، به همان میزان نیز مسکو نیازمند

^۱ رهبر معظم انقلاب در سخنرانی خود به مناسبت عید مبعث به تاریخ ۱۴۰۰/۱۲/۱۰ در حالی که فقط چند روز از آغاز بحران اوکراین گذشته بود، ریشه اصلی وقوع این جنگ را سیاست توسعه طلبانه و غیرمستولانه آمریکا و غرب اعلام کردند.

تأمین آن اقلام یا نیازمند بازار فروش برای محصول خود خواهد شد. در این میان نیز جمهوری اسلامی ایران به دلیل وجود سابقه‌ای مثبت از روابط اقتصادی، سیاسی و امنیتی و نیز وجود ده‌ها قرارداد و توافقنامه از دهه‌های پیش و نزدیکی جغرافیایی و فراهم بودن زیرساخت‌های ارتباطی از اهمیت زیادی برخوردار است. قرارداد بیست ساله همکاری‌های راهبردی دو دولت بسترهای گسترش روابط را بیش از گذشته تقویت می‌کند. روسیه در حال حاضر به مجموعه‌ای از فناوری‌ها و اقلام نظامی نیازمند هست که ایران در تأمین بخش‌هایی از آن مزیت نسبی دارد. به طبع، روابط منطقه‌ای نیز به فراخور این شرایط افزایش می‌یابد. حضور ایران در سازمان همکاری شانگهای، تمدید توافق تجارت ترجیحی و احتمال ارتقای سطح همکاری‌ها با اتحادیه اقتصادی اوراسیایی و امکان شکل‌گیری نهاد همکاری در حوزه دریای خزر و ورود دو طرف به تعامل بیشتر با دولت افغانستان از موضوعاتی است که همکاری‌های منطقه‌ای را تقویت خواهد کرد» (شکوهی و قاسمی، ۱۴۰۳).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به ضرورت همکاری بین‌المللی برای تأمین صلح و امنیت، ایران و روسیه با انعقاد معاهده جامع مشارکت راهبردی، الگویی مؤثر از همکاری دوجانبه را مبتنی بر روابط متقارن و منافع مشترک ایجاد کرده‌اند. این معاهده که نقشه راه روشنی برای تقویت همکاری‌ها در حوزه‌های مختلف ترسیم می‌کند، نه تنها پایه‌ای برای روابط پایدار بین دو کشور است، بلکه بیانگر اراده مشترک آنها برای ایفای نقش در شکل‌دهی به نظم نوین جهانی و تداوم همکاری در آینده است. این توافق راهبردی، نمونه‌ای از تلاش واحدهای سیاسی برای دستیابی به ثبات از طریق اتحادهای مبتنی بر منافع متقابل است.

گرچه همکاری‌های دفاعی امنیتی، مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و غرب، وضعیت ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی، همکاری در مبارزه با تروریسم، همکاری‌های اقتصادی و همگرا شدن در بحران اوکراین از عوامل موثر در ایجاد مشارکت راهبردی میان جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه به ویژه در حوزه دفاعی امنیتی بوده است؛ اما با توجه به داشتن تهدید مشترک (مقابله با هژمونی آمریکا و غرب)، هدف مشترک (مقابله با نظام تک قطبی و حمایت از نظام چند قطبی) و منافع مشترک (ایجاد و حفظ امنیت منطقه‌ای و داشتن هویت مستقل) می‌توان این الگوی

مهم و موثر را کامل و ارتقا داد. همانگونه که در زمینه همکاری‌های نظامی، دفاعی و امنیتی و همچنین در حوزه سیاست‌های منطقه‌ای و مبارزه با تروریسم دو کشور به سمت مشارکت راهبردی گام بر می‌دارند، به همان اندازه نیز بایستی در حوزه اقتصادی همکاری‌ها شکل راهبردی به خود بگیرد. زیرا سنگ بنای مشارکت راهبردی، موضوعات و روابط اقتصادی می‌باشد.

با توجه به تحریم‌های غرب، پیشنهاد می‌شود اولاً ایران و روسیه با ایجاد خطوط اعتباری، تسهیل سرمایه‌گذاری متقابل و تقویت کمیسیون مشترک اقتصادی، همکاری راهبردی خود را توسعه دهند؛ ثانیاً در حوزه دفاعی - نظامی، با تدوین گفت‌وگوهای مشترک دفاعی، توسعه همکاری‌های آموزشی نیروهای مسلح، تأمین تسلیحات و تجهیزات مورد نیاز، توسعه همکاری‌های فنی تسلیحاتی و انتقال فناوری و... امنیت منطقه‌ای را تقویت کنند؛ ثالثاً با فعال‌سازی کمیسیون امنیتی مشترک برای مبارزه با قاچاق و تروریسم و همچنین همکاری دوجانبه در تأمین امنیت دریای خزر و تعمیم آن به سایر کشورهای حاشیه این دریا به ثبات منطقه کمک کنند. این اقدامات سه‌گانه، پایه‌های مشارکت جامع دو کشور را مستحکم می‌سازد.

فهرست منابع

- باقری دولت آبادی، علی (۱۳۹۳)، رویکرد نظری به علت توسعه روابط ایران و روسیه از زمان فروپاشی اتحاد شوروی تاکنون، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره هفتم، شماره ۱، صص ۵۶-۳۷
- بهمن، شعیب (۱۳۹۵)، امکان و امتناع شکل‌گیری روابط راهبردی میان ایران و روسیه، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال هفدهم، شماره ۴، شماره پیاپی ۶۸، صص ۱۴۱-۱۱۵
- پاشایی، تقی و سرمادی، حمید (۱۳۹۹)، راهبرد موازنه قوای ایران - روسیه در مقابل هژمونی آمریکا، نشریه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، شماره ۲۵، صص ۸۲-۶۳
- توکلی، علیرضا و محموداوغلی، علی (۱۴۰۲)، مولفه‌های تهدیدکننده همکاری استراتژیک ایران و روسیه، فصلنامه تعاملات دیپلماتیک، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۲۸-۱۰۱
- جعفری، سیداصغر (۱۳۹۲)، دیپلماسی دفاعی در اندیشه‌های امام خامنه‌ای (مدظله)، تهران یاران شاهد خادمی، مجید (۱۴۰۱)، همسویی سیاست خارجی فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران و قدرت منطقه‌ای ایران، تهران، انتشارات دیده بان
- رامک، مهرباب و محمدی، علی (۱۳۹۹)، ارائه مدل مفهومی همکاری‌های بین‌المللی با رویکرد تقویت دفاع سایبری کشور) بر اساس نظریه پردازی داده‌بنیاد)، فصلنامه علمی امنیت ملی، دوره ۱۰، شماره ۳۷، صص ۴۲-۷

- رستم آقایی، علی رضا و دیگران (۱۴۰۰)، تحلیل فرهنگ استراتژیک روسیه و ایران در برقراری روابط استراتژیک ۲۰۰۰-۲۰۱۸، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال دوازدهم، شماره ۴۸، صص ۱۳۸-۱۱۹
- شاپوری، مهدی (۱۴۰۱)، روابط ایران و روسیه در پرتو تحولات جدید، نشریه دیده بان امنیت ملی، شماره ۱۲۳، صص ۱۳۴-۱۲۷
- شکوهی، سعید و قاسمی، حسین (۱۴۰۳)، تأثیر جنگ ۲۰۲۲م اوکراین بر روابط ایران و روسیه؛ مطالعه موردی: دیدگاه نخبگان ایرانی، نشریه مطالعات کشورها، دوره ۲، شماره ۱، صص ۸۹-۶۵
- عراقچی، سید عباس (۱۴۰۳). معاهده مشارکت جامع راهبردی ایران و روسیه گامی به سوی خلق جهانی عادلانه‌تر، ۲۷ دیماه، قابل دسترس <https://russia.mfa.gov.ir/portal/newsview/760131>
- عزتی، عزت اله و همکاران (۱۳۹۹)، تأثیر همکاری‌های دفاعی ایران و روسیه بر راهبرد ژئوپلیتیک انرژی ایران (با محوریت نفت و گاز)، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال هجدهم، شماره ۷۹، صص ۷۶-۵۵
- غفارزاده، مهرشاد و همکاران (۱۴۰۱)، دیپلماسی مشارکت راهبردی چین و رویکرد آن به غرب آسیا، فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۷۹-۵۳
- غنی، پرهام و عسگریان، عباسقلی (۱۴۰۰)، مانع‌های شکل‌گیری ائتلاف راهبردی ایران و روسیه؛ مطالعه موردی ائتلاف ایران و روسیه در بحران سوریه، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره چهاردهم، شماره ۱، صص ۲۴۹-۲۳۲
- غیور، امین و نطاق پور، مهدی (۱۳۹۲)، عوامل منطقه‌ای مؤثر بر همگرایی ایران و روسیه و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مجله سیاست دفاعی، سال بیست و یکم، شماره ۸۳، صص ۲۰۲-۱۶۷
- گولایی، الهه و زنگنه، سمیه (۱۴۰۲)، تأثیر جنگ اوکراین بر روابط ایران و روسیه، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۵ شماره ۲ (پیاپی ۷۶)، صص ۵۶-۳۵
- مسعودی لکی، محسن (۱۳۹۹)، نقش و جایگاه بحران سوریه در روابط جمهوری اسلامی ایران و روسیه، فصلنامه مطالعات جنگ، سال دوم، شماره ۵، صص ۹۳-۷۳
- میرفخرایی، سیدحسن و رحیمی، امید (۱۳۹۶)، مشارکت راهبردی الگویی نوین برای روابط ایران و روسیه، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره بیست و پنجم، صص ۹۰-۶۵
- میرفخرایی، سید حسن (۱۴۰۱)، جایگاه آسیای مرکزی و افغانستان در مشارکت راهبردی ایران و چین، نشریه مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۵۷، صص ۱۶۴-۱۴۳
- نیکونهاد، ایوب، عمادی، سیدرضی و بیوک، محسن (۱۴۰۳)، پیامدهای همکاری دفاعی-امنیتی ایران و روسیه در بحران اوکراین (۲۰۲۲)، فصلنامه بحران پژوهی جهان اسلام، دوره ۱۱، شماره ۳، صص ۹۲-۶۵
- ولی زاده، اکبر و صالحی، محمدرضا (۱۳۹۹)، مولفه‌های تاثیرگذار بر همکاری امنیتی ایران و روسیه در آسیای مرکزی، نشریه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره سیزدهم، شماره ۱، صص ۳۲۳-۳۰۳

- Ciorciari, J. D. (2010). Introduction. In *The Limits of Alignment: Southeast Asia and the Great Powers since 1975* (p. 1–15). Georgetown University Press.
<http://www.jstor.org/stable/j.ctt2tt3f8.7>
- Goldstein, A. (2005). *Rising to the challenge: China's grand strategy and international security*. Stanford University Press.
- Nadkarni, V. (2010). *Strategic partnerships in Asia: Balancing without Alliances*. Routledge.
- Sherlock, Thomas (2011), "Alone Together: Russia and the US in the Post-Soviet Era", in: Isaiah (Ike) Wilson III and James J. F. Forrest (ed.), *Handbook of Defence Politics: International and Comparative Perspectives*, London: Routledge.
- Wilkins, Thomas. S. (2008). "Russo-Chinese Strategic Partnership: A new Form of Security Cooperation?". *Contemporary Security Policy*, Vol.29 (2).
<https://www.fardanews.com/73/651036/17/01/1396>

